



مدرسایان شریف

فصل اول

«حدود»

در قانون مجازات اسلامی ۹۲ به موجب ماده ۱۴ این قانون، مجازات‌ها به چهار قسم تقسیم شده‌اند:

الف) حد ب) قصاص پ) دیه ت) تعزیر

در ماده ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ این قانون تعریف حد، قصاص، دیه و تعزیر بیان شده است. به موجب ماده ۱۵ این قانون: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است». علاوه بر تقسیم‌بندی مندرج در ماده ۱۴ قانون جدید، تعزیرات این قانون خود به دو نحو تقسیم‌بندی شده‌اند. نخست از لحاظ منصوص شرعی بودن یا نبودن. توضیح آنکه قبل از تصویب قانون جدید، علاوه بر تعزیرات، مجازات‌های بازدارنده نیز در اقسام مجازات‌ها تعریف شده بود و در بیان تمایز تعزیرات از مجازات‌های بازدارنده بیان می‌شد که مجازات‌های بازدارنده فاقد سابقه شرعی هستند مانند جرایم راهنمایی و رانندگی، حال آنکه تعزیرات دارای سابقه شرعی هستند. قانون مجازات اسلامی در صدد رفع این تمایز بود و به همین دلیل عنوان مجازات‌های بازدارنده را از تقسیم‌بندی‌های جرایم حذف کرد ولی در پی ایراد شورای نگهبان با اضافه کردن تبصره (۲) ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲، تفکیک تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیرمنصوص شرعی را مجدداً ایجاد کرد و پاره‌ای از قوانین و مقررات مصرح در قانون جدید را از شمول تعزیرات منصوص شرعی خارج کرد. دسته‌بندی دیگر مجازات‌های تعزیری درجه‌بندی هشت‌گانه آن‌ها در ماده ۱۹ قانون جدید است.

در قانون مجازات اسلامی به حدی بودن ۱۲ جرم اشاره شده است. این جرایم عبارتند از: زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، قوادی، قذف، سب‌النبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی‌الارض. تعداد حدود مطرح در قانون سابق (۹) مورد بود که تفخیز از عنوان لواط جدا شده است. افساد فی‌الارض از عنوان محاربه جدا شده است. سب‌النبی و بغی نیز اضافه شده است. نوآوری دیگر قانون جدید در بحث حدود در ماده ۲۲^۵ قانون جدید متجلی است که بیان می‌دارد: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» که به عنوان مصادیق این ماده می‌توان به جادوگری، سحر و ارتداد اشاره کرد که در این موارد وفق اصل ۱۶۷ قانون اساسی طبق نظر فتاوی مشهور فقها عمل می‌شود. در این فصل حدود مطرح در قانون مجازات اسلامی را توضیح داده و تبیین می‌کنیم و مباحث این فصل را در (۷) بخش ارائه می‌دهیم. بخش اول کلیات حدود، بخش دوم حد زنا، بخش سوم حد لواط، مساحقه و تفخیز، بخش چهارم قوادی، بخش پنجم قذف، بخش ششم سب‌النبی، بخش هفتم مصرف مسکر، و سه حد سرقت، بغی و افساد فی‌الارض را به مناسبت در بخش جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی توضیح خواهیم داد.

مبحث اول: کلیات حدود

همان‌طور که اشاره شد به موجب ماده ۱۵ قانون جدید: «حد مجازاتی که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است.» اجرای حد از نظر اسلام دارای اهمیت اساسی است به نحوی که اجرای حد الهی در روایات از بارش باران سودمندتر توصیف شده است. به علت همین اهتمام شارع در اجرای حدود است که حدود از نظر قواعد و احکام از سایر مجازات‌ها متمایز است. برای مثال در عبارت فقها و در میان روایات عباراتی از این دست که «لا تبدل فی الحد»، «لا کفالة فی الحدود»، «لا شفاعة فی الحدود» و غیره به چشم می‌خورد.

همین امر سبب احکام خاص حدود شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- قاعده منع محاکمه مضاعف که در صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب و صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه (مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) پذیرفته شده است، در حدود اعمال نمی‌شود.

۲- قاعده محاسبه مجازات قبلی که در صلاحیت واقعی پذیرفته شده (ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) در حدود اعمال نمی‌شود.

۳- حدود عطف به ماسبق می‌شوند. (ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

۴- محاسبه مدت ایام بازداشت متهم که در مجازات‌های تعزیری اعم از (جزای نقدی، شلاق تعزیری و حبس تعزیری) اعمال می‌شود در حدود (اعم از شلاق حدی و حبس حدی) اعمال نمی‌شود. (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)



- ۵- تخفیف در حدود امکان ندارد. (ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۶- معافیت از مجازات در حدود اعمال نمی‌شود مگر از طریق عفو و توبه مطابق م ۲۱۹ ق.م.ا.
- ۷- تعویق صدور حکم در حدود اعمال نمی‌شود. (ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۸- تعلیق اجرای مجازات در حدود امکان ندارد. (ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۹- نظام نیمه آزادی در حدود نداریم. (ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۰- آزادی مشروط در حدود نداریم. (ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۱- نظارت سامانه الکترونیکی در حدود نداریم. (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۲- مرور زمان در حدود جایگاهی ندارد. (ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۳- مقررات توبه در حدود متفاوت با تعزیر است. (ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۴- مقررات تعدد و تکرار در حدود متفاوت با تعزیر است. (ماده ۱۳۶ و ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۵- ادله اثبات در حدود، احکام خاص خود را دارد.
- ۱۶- مجازات شروع به جرم و معاونت در حدود، پیش‌بینی شده است. (ماده ۱۲۲ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۷- سردستگی در حدود احکام خاص خودش را دارد. (ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۸- جهل به حکم در حدود پذیرفته شده است. (ماده ۱۵۵ و همچنین مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۹- مجازات تبعی و تکمیلی در حدود داریم.

کلمه مثال ۱: کدام نهاد در حدود امکان ندارد؟

- (۱) تخفیف (۲) مجازات تبعی (۳) تکرار جرم (۴) معاونت

پاسخ: گزینه «۱» به استناد ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی.

علی‌هذا با توجه به تمامی احکام خاصی که در خصوص حدود وجود دارد، برخی از احکام کلی حدود را در قالب سه مبحث بیان می‌کنیم.

مبحث دوم: تعدد و تکرار در حدود

تعدد در حدود

مقررات خاصی که در بحث تعدد مادی در ماده ۱۳۴ قانون آمده بنا بر تصریح این ماده مختص تعزیرات است و حدود در بحث تعدد احکام خاص خود را دارند. تعریف کلی تعدد مادی جرم در قانون جدید آن است که فردی مرتکب جرم شده و قبل از صدور حکم قطعی مجدداً مرتکب جرم دیگری شود. بنابراین ملاک تشخیص تعدد از تکرار در قانون مجازات اسلامی صدور حکم قطعی است. حدود اگر با قصاص یا با حدود دیگر یا با تعزیرات جمع شوند و مشمول عنوان تعدد باشند به این نحو راجع به آن‌ها اتخاذ تصمیم می‌شود.

اول: اگر جرم حدی با یک جرم تعزیری جمع شود: در این حالت می‌توان دو فرض را تصور نمود:

فرض اول: جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مثل سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و رابطه نامشروع کمتر از زنا که در این فرض مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌شود مگر در مورد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام نسبت به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود. (تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی)

فرض دوم: جرم حدی از جنس جرم تعزیری نباشد: که در این صورت هر دو مجازات با هم جمع می‌شود و ابتدا حد اجرا می‌شود مگر آنکه حد، سالب حیات باشد و از طرف دیگر تعزیر هم حق‌الناس یا تعزیر معین شرعی باشد که در این فرض خاص در صورتی که تعزیر موجب تأخیر اجرای حد نشود ابتدا تعزیر اجرا می‌شود. (ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

پس:

همه حدود	← فقط حد اجرا می‌شود.	} جرم حدی از جنس جرم تعزیری است.	} تعدد حد و تعزیر:
حد قذف	← در یک فرض خاص که قذف نسبت به یک نفر و دشنام نسبت به دیگری باشد هر دو مجازات اجرا می‌شود.		
فرض عادی	← ابتدا حد سپس تعزیر اجرا می‌شود.	} جرم حدی از جنس جرم تعزیری نیست.	
فرض خاص	← ابتدا تعزیر سپس حد اجرا می‌شود.		

شرایط فرض خاص: ۳ شرطی که در ذیل ماده ۱۳۵ ق.م.ا وجود دارد.

کلمه مثال ۲: آقای الف مرتکب زناى به عنف نسبت به خانم الف و سرقت نسبت به آقای ب می شود و سپس دستگیر می شود. در این فرض ...

- (۱) فقط به اعدام محکوم می شود.
 - (۲) اگر اجرای حبس سرقت موجب تأخیر اعدام نشود ابتدا حبس و سپس اعدام می شود.
 - (۳) به اعدام به علاوه حبس مشدد محکوم می شود و ابتدا حبس و سپس اعدام اجرا می شود.
 - (۴) به اعدام و حبس محکوم می شود ولی در مقام اجرا ممکن است فقط اعدام اجرا شود.
- پاسخ: گزینه «۲» این فرض همان فرض خاصی است که مورد نظر ماده ۱۳۵ است. چراکه سرقت هم حق الناسی است و هم حد سالب حیات است. تنها شرطی که باقی می ماند آن است که اجرای تعزیر موجب تأخیر در اجرای حد نشود.

دوم: اگر جرم حدی با جرم حدی دیگر جمع و مرتکب تعدد جرم حدی باشد؛ برای مثال کسی شرب خمر کرده باشد و سپس زنا نماید. یا تفخیذ نموده و لواط هم کند، این حالت خود دارای دو فرض است:

فرض اول آنکه دو جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند؛ در این صورت فقط مجازات اشد اجرا می شود. مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می شود. این حکم در تبصره (۲) ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ آمده است. برای تحقق این فرض لازم است که اولاً هر دو جرم حدی باشد، ثانیاً هر دو جرم در یک واقعه باشد و ثالثاً هر دو جرم در راستای هم باشند. به نظر می رسد فرض دیگری به جز مثال مطرح شده در خود قانون را نتوان برای این مورد در نظر گرفت.

فرض دوم آن است که دو حد در راستای هم و در یک واقعه نباشند که در این فرض هر دو حد اجرا می شود. مگر در مواردی که جرایم ارتكبابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد، که در این صورت فقط یک حد اجرا می شود مانند: شرب خمر بیش از یک مرتبه. سؤال آن است که اگر یکی از حدود سالب حیات و حد دیگر حبس ابد بود، اجرای این دو حد چگونه است؟ در این فرض فقها بیان داشته اند که حد سالب حیات اجرا می شود و نوبت به اجرای حبس ابد نمی رسد. (ماده ۱۳۲ و تبصره (۱) آن)

سوم جمع قصاص و حد در فرض تعدد که در این حالت هم قصاص و هم حد اجرا می شود ولی اگر اجرای مجازات حدی زمینه اجرای قصاص را از بین ببرد، یا اجرای مجازات حدی موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد. مثلاً فردی هم به قصاص دست و هم به قطع دست به خاطر سرقت حدی محکوم شده باشد، چون قصاص حق الناس و مقدم است، و نیز به این دلیل که مجازات حدی مذکور موضوع قصاص را از بین می برد، ابتدا قصاص اجرا می شود. (ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی)

تکرار در حدود

مقررات تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ آمده است. در ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ آمده است: «هر گاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر وی جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.» بنابراین مقررات تکرار جرم حدی فقط در یک فرض در ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بیان شده است و اگر فردی مرتکب سرقت شده و حد بر او جاری شود و مجدداً مرتکب جرم دیگری غیر از سرقت مانند شرب خمر شود، در این ماده بیان نشده است؛ همچنین اگر فردی مرتکب جرم تعزیری شده و حکم قطعی هم برای او صادر شده و سپس مرتکب حد شود هم در این ماده بیان نشده است. آنچه مسلم است مورد اخیر مشمول مقررات تکرار جرم ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی نمی شود، زیرا این ماده مختص به جرایم تعزیری درجه یک تا شش می باشد.

کلمه مثال ۳: فردی محکومیت قطعی به تعزیر درجه (۱) تا (۶) پیدا می کند و قبل از اعاده حیثیت مرتکب شرب خمر می شود. در این فرض:

- (۱) به حداکثر مجازات محکوم می شود.
- (۲) به حداکثر مجازات به علاوه تشدید بسته به نظر قاضی محکوم می شود.
- (۳) به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می شود.
- (۴) فقط به مجازات شرب خمر محکوم می شود.

پاسخ: گزینه «۴» به استناد ماده ۱۳۶ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی

مبحث سوم: ادله اثبات در حدود

به موجب ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ادله اثبات جرم عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در مواد مقرر قانونی و علم قاضی. ولی در حدود ادله اثبات دعوا دارای احکام خاص خود هستند که آن ها را متمایز از ادله اثبات سایر جرایم می کند. این احکام خاص به طور خلاصه عبارتند از:

(الف) موضوعیت داشتن اقرار و شهادت (ب) نصاب اقرار و شهادت (ج) عدم اعتبار برخی ادله در حدود که در ذیل به بیان و توضیح این موارد می پردازیم:



الف) موضوعیت داشتن اقرار و شهادت

ماده ۱۶۱ قانون جدید بیان می‌دارد: «در مواردی که دعوی کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند، مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد». در مواردی که ادله موضوعیت دارند، قاضی بعد از ارائه و احراز این ادله به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند ولی در مواردی که ادله‌ای طریقت داشته باشد، پس از ارائه، این ادله باید ایجاد اقتناع وجدانی برای قاضی کند تا قاضی بتواند به استناد آنها رأی صادر کند. بنابراین قاضی بررسی می‌کند که آیا این ادله با قراین همخوانی دارد یا خیر.

در حدود اقرار و شهادت موضوعیت دارد. ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است. اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد» و در ماده ۱۷۷ این قانون برای شاهد شرعی شرایطی را مقرر دانسته است.

ب) نصاب اقرار و شهادت در حدود

اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است. (ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی) ماده ۱۷۱ همین قانون بیان می‌دارد: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد...» ماده ۱۷۲ همین قانون بیان می‌دارد: «در کلیه جرایم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرایم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف) چهار بار، در زنا، لواط، تفریح و مساحقه.

ب) دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد.

تبصره (۱): «برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرایم، یک بار اقرار کافی است.»

تبصره (۲): «در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.»

در ماده ۱۷۳ همین قانون آمده است: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله ولو در حین اجرا مجازات مزبور ساقط و به جای آن در لواط و زنا صد ضربه شلاق و در غیر آن‌ها حبس تعزیری درجه (۵) ثابت می‌شود». علت این صد ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه (۵) آن است که در این فرض مرتکب اقرار به جرم کرده است و اقرار به گناه خود، گناه است.

کج مثال ۴: عدول از اقرار در کدام یک از جرایم زیر ممکن است؟

(۱) زنا محصنه (۲) زنا به طور کلی (۳) لواط به طور کلی (۴) همه جرایم

پاسخ: گزینه «۱» به استناد ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی.

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری در نزد مقام قضایی است. (ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) احکام مربوط به شهادت در قانون جدید در مواد ۱۷۴ تا ۲۰۰ بیان شده است.

ماده ۱۹۹ همین قانون بیان می‌دارد: «نصاب شهادت در کلیه جرایم دو شاهد مرد است، مگر در زنا، لواط، تفریح و مساحقه که با شهادت چهار شاهد مرد اثبات می‌شود. برای اثبات زنا موجب حد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.»

متن طولانی ماده فوق، بیانگر چیز جدیدی در خصوص شهادت در حدود و نصاب آن نسبت به قانون مجازات اسلامی سابق نیست و با توجه به این ماده نصاب شهادت را می‌توان به این نحو بیان داشت:

- کلیه جرایم اعم از حد و تعزیر: دو شاهد مرد

- لواط، تفریح و مساحقه: صرفاً چهار مرد (شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام مردان قابل قبول نیست).

- زنا مستوجب حد رجم یا قتل: چهار شاهد مرد یا سه شاهد مرد و دو شاهد زن.

- جنایات موجب دیه: شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن

- زنا مستوجب حد جلد یا تراشیدن موی سر یا تبعید: چهار شاهد مرد یا سه شاهد مرد و دو شاهد زن یا دو شاهد مرد و چهار شاهد زن.

علاوه بر نصاب که به آن اوصاف کمی شهادت نیز گفته می‌شود، شهادت دارای اوصاف کیفی هم هست که به تفصیل در فصل دوم قانون مجازات اسلامی آمده است که از جمله آن‌ها موارد زیر است:

- در شهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت‌ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت‌ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی‌شود. (ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

- شهادت باید از روی قطع و یقین، به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق امور متعارف باشد، ادا شود. (ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

- در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی، هیچ‌یک معتبر نیست. (ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) اذا تعارضا تساقطا.

در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام داده و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست. (ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) - رجوع از شهادت شرعی، قبل از اجرای مجازات، موجب سلب اعتبار شهادت می‌شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن مسموع نیست. (ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری، عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود، دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند، شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می‌شود و موجب حد است. (ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

ج) عدم اعتبار برخی ادله در حدود

ماده ۱۸۸ تا ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در خصوص شهادت بر شهادت است. ماده ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بیان می‌دارد: «شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن حضور وی متعذر باشد». ولی شهادت بر شهادت در حدود فاقد اعتبار است. ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «جرائم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود. لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است».

قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی در خصوص اینکه آیا حدودی که در خصوص ادله اثبات آن‌ها، به علم قاضی تصریح نشده بود، با علم قاضی قابل اثبات هستند یا خیر، بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود داشت. در قانون مجازات اسلامی علاوه بر آنکه از احصای ادله سابق خبری نیست، ماده ۲۱۱ تا ۲۱۳ این قانون هم به علم قاضی اشاره دارد. ماده ۲۱۱ این قانون بیان می‌دارد: «علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات بیّن در امری است که در نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم؛ علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند». با این حال در فرضی که برای زنا شاهد یا دو شاهد که کمتر از نصاب است وجود داشته باشد، این شهادت نمی‌تواند مستند علم قرار گیرد و در واقع نصاب ناقص ادله دیگر نمی‌تواند، مستند علم باشد و این موضوع با محتوای ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ که بیان می‌دارد: هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر موجب علم قاضی شود، تأیید می‌شود. بنابراین اگر نصاب ادله دیگر و یا حتی شرایط آن‌ها (مثل وصف عدالت در شاهد) رعایت نشود، تنها ارزش اماره قضایی دارند.

مبحث چهارم: معاونت، مشارکت و سردستگی در حدود

مقررات مربوط به معاونت در قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹ بیان شده است. در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصادیق معاونت بیان شده است. در ماده ۱۲۷ این قانون هم مجازات معاونت بیان شده است. نکته حائز اهمیت در خصوص این ماده آن است که برخلاف ماده ۴۳ قانون سابق مجازات اسلامی که مسئله معاونت در حدود آن به سکوت برگزار شده و این مسئله موجب اختلاف نظر در بین حقوق دانان در مجازات معاونت شده بود. در قانون فعلی مسئله معاونت در حدود به صراحت با بیان مجازات برای معاونت در جرائم حدی پذیرفته شده است.

ماده ۱۲۷ قانون جدید بیان می‌دارد: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه.

ب) در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش.

پ) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است، ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش.

ت) در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی».

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در بند پ این ماده صراحتاً از شلاق حدی نام برده است. بنابراین باید اطلاق بند الف را هم این‌گونه برداشت کنیم که منظور از سلب حیات یا حبس دائم اعم است از حدی و غیر حدی.

در خصوص این ماده چند نکته حائز اهمیت است:

نکته ۱: در صدر ماده بیان شده است: «... در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد».

بنابراین در حال حاضر برای تعیین مجازات معاون، باید ابتدا به شرع و منابع شرعی مراجعه نمود؛ اگر در منابع شرعی برای معاونت در جرمی خاصی مجازات خاصی وجود داشته باشد، نوبت به مرحله بعدی نمی‌رسد. برای مثال در محاربه طلایع یا دیده‌بان دارای مجازات خاص کور کردن چشم است. یا در قتل، ممسک یعنی کسی که دیگری را نگه می‌دارد تا مباشر جرم، او را به قتل برساند دارای مجازات حبس ابد است در این موارد نوبت به اجرای قانون نمی‌رسد. از طرف دیگر همین بند در مرحله دوم تعیین مجازات برای معاون را رجوع به قانون خاصی می‌داند. بنابراین اگر معاونت در جرمی در ماده‌ای خاص جرم‌انگاری شده برای مثال معاونت در سرقت از طریق ساخت کلید، در این فرض همان مجازات مندرج در ماده خاص اجرا می‌شود و نوبت به اجرای ماده ۱۲۷ نمی‌رسد، در مرحله سوم هم مجازات ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی اجرا خواهد شد.



کلمه مثال ۵: معاونت در زنا دارای چه مجازاتی است؟

- (۱) دارای مجازات نیست.
 (۲) دارای مجازات تعزیری است.
 (۳) می‌تواند دارای مجازات تعزیری یا حدی باشد.
 (۴) دارای مجازات حدی است.

پاسخ: گزینه «۳» در ادامه خواهیم گفت که جمع و مرتبط کردن زن و مرد را برای زنا، قوادی می‌گویند که خود می‌تواند از مصادیق معاونت باشد. از طرف دیگر به موجب بند پ ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است، مجازات معاون عبارت است از: ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش. بنابراین اگر معاونت مشمول عنوان قوادی باشد حد است و اگر مشمول عنوان قوادی نباشد، مشمول بند پ ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی است.

نکته ۲: در این ماده در خصوص برخی دیگر از اقسام معاونت در جرایم حدی سخنی به میان نیامده است. در واقع این ماده در خصوص جرایم حدی زیر تعیین تکلیف کرده است:

۱- جرایم حدی مشمول حد سلب حیات یا حد حبس ابد ۲- جرایم حدی مشمول شلاق حدی ۳- سرقت حدی
 بنابراین این ماده در خصوص جرایم حدی مشمول حد صلب یا نفی بلد که در محاربه آمده است، ساکت است. در جواب می‌توان گفت چون در میان مجازات‌های محارب، اعدام هم آمده است بنابراین معاونت در محاربه را می‌توان مشمول بند الف ماده ۱۲۷ دانست. همچنین در مواردی که حد زنا، جلد و تغریب (تبعید) با هم است، معاونت مشمول بند پ خواهد شد. لکن با توجه به ماده ۲۸۳ این قانون که در محاربه انتخاب هریک از مجازات‌های چهارگانه را به اختیار قاضی موقوف کرده است در فرضی که طبق این اختیار اعطایی مجازات تبعید مورد حکم قرار گیرد محکوم نمودن معاون وی بر اساس بند الف قابل توجه به نظر نمی‌رسد.

نکته ۳: در خصوص معاونت در افساد فی الارض باید قائل به تفکیک شد گاهی معاونت به شکل ساده و در قالب یکی از موارد مقرر در ماده ۱۲۶ نمود پیدا می‌کند که در این صورت مرتکب تحت عنوان معاونت در جرم افساد فی الارض و مطابق با بند الف ماده ۱۲۷ قابل محاکم و مجازات است ولی گاهی رفتار مرتکب در قالب معاونت از لحاظ کیفیت ارتکاب، وسعت و گستردگی مشمول ماده ۲۸۶ شده و مجازات اعدام برای آن پیش‌بینی شده است در واقع رفتار مرتکب ماهیتاً معاونت است اما به عنوان رفتار مجرمانه مستقل جرم‌انگاری شده و مجازات مباشر را خواهد داشت.

مشارکت در حدود

در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی به بحث مشارکت در جرم پرداخته است. تبصره این ماده بیان می‌دارد: «اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد».

نکته ۴: با دقت در موارد مربوط به حدود در این قانون می‌بینیم که در این مواد اشاره خاصی به مشارکت در حدود نشده است. بنابراین می‌توان گفت مشارکت در حدود تابع قواعد عام مشارکت است که در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی بیان شده است.

نکته ۵: ضابطه‌ای که در مشارکت در ماده ۱۲۵ بیان شده است دارای دو رکن است. رکن اول مشارکت در عملیات اجرایی جرم و رکن دوم اینکه جرم مستند به رفتار همه آن‌ها باشد. با وجود این ضابطه در برخی جرایم حدی که مستلزم رفتار دو نفر است مثل زنا، لواط، تغخید و مساحقه تصور مشارکت در جرم غیرممکن است و در این موارد فاعل و مفعول را نمی‌توان شریک در جرایم دانست چرا که در این موارد جرم بدون دخالت دو نفر اصولاً قابل تحقق نیست.

از طرف دیگر در برخی جرایم حدی دیگر هم شرکت در جرم اصولاً قابل تصور نیست. مانند شرب خمر چرا که اگر صد نفر هم به دور هم و در کنار میزی اقدام به شرب خمر نمایند، عمل همه آن‌ها مباشرت در شرب خمر است.

سردستگی در حدود

ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی به بحث سردستگی به عنوان یک کیفیت مشدد شخصی که مربوط به شخص مرتکب است اشاره دارد. ماده ۱۳۰ بیان می‌دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد. مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد».

تبصره (۱): «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم، متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد».

تبصره (۲): «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است».

همانگونه که در متن ماده ملاحظه می‌کنید، سردستگی موجب محکومیت سردهسته به حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی توسط اعضای گروه است مگر در حدود یا قصاص یا دیات که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.

کجه مثال ۶: مشارکت در شرب خمر

- (۱) مستوجب سقوط مجازات حدی
 (۲) قابل تصور نیست.
 (۳) موجب اجرای حد بر هر یک از مرتکبان با اعمال تخفیف است.
 (۴) موجب حد و تعزیر است.

پاسخ: گزینه «۲»

مبحث پنجم: سقوط مجازات در حدود

فقها اعتقاد دارند که مجازات‌های حدی، لایتغیر و ثابت هستند و به همین دلیل در میان متون فقهی عباراتی چون «لا کفاله فی الحد» «لا تخفیف فی الحدود» و ... به چشم می‌خورد. این احکام در ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی متجلی شده است که بیان می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است». همان‌طور که ملاحظه می‌شود تنها راه سقوط مجازات در حدود در این ماده توبه و عفو بیان شده است. از طرف دیگر اعمال قاعده «تدرواً الحدود بالشبهات» در حدود تابع احکام خاصی است که با اعمال آن هم، بسیاری از مجازات‌های حدی ثابت نمی‌شود. بنابراین، این مبحث را در دو بخش توبه و اعمال قاعده درآ بیان می‌کنیم.

اعمال قاعده درآ در حدود

ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیل بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می‌دارد: «در جرایم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و کذب به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

بنابراین شبهه در حدود با شرایط آسان‌تری نسبت به سایر جرایم، موجب سقوط حد می‌شود، چرا که در همه جرایم بعد از ایجاد شبهه قاضی می‌بایست اقدام به تحصیل دلیل کند و اگر بعد از تحصیل دلیل کماکان شبهه باقی بود، شبهه مانع اثبات مجازات است ولی در حدود، صرف وجود شبهه، مجازات را ساقط می‌کند و قاضی تکلیفی به تحصیل دلیل هم ندارد. البته فرض ماده ۱۲۱ این قانون محاربه، افساد فی الارض، سرقت و کذب را از شمول این قاعده مستثنی کرده است. در اینکه شبهه چگونه به وجود می‌آید ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می‌دارد: «در جرایم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم بنماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است، ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود».

تبصره (۱): «در جرایم محاربه و افساد فی الارض و جرایم منافی عفت با عفو و اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به تحقیق و بررسی است».

توبه در حدود

آیه ۳۹ سوره مائده بیان می‌دارد: «فمن تاب بعد ظلم و اصلح فان الله يتوب علیه و ان الله غفور رحیم» ماده ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی به بحث توبه اختصاص دارد. در این مواد توبه به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات بیان شده است. ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌شود، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود».

ولی در خصوص حدود، توبه احکام خاص خود را دارد که در ماده ۱۱۴ و ماده ۱۱۶ بیان شده است:

ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی: «در جرایم موجب حد به استثنای کذب و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از کذب با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».

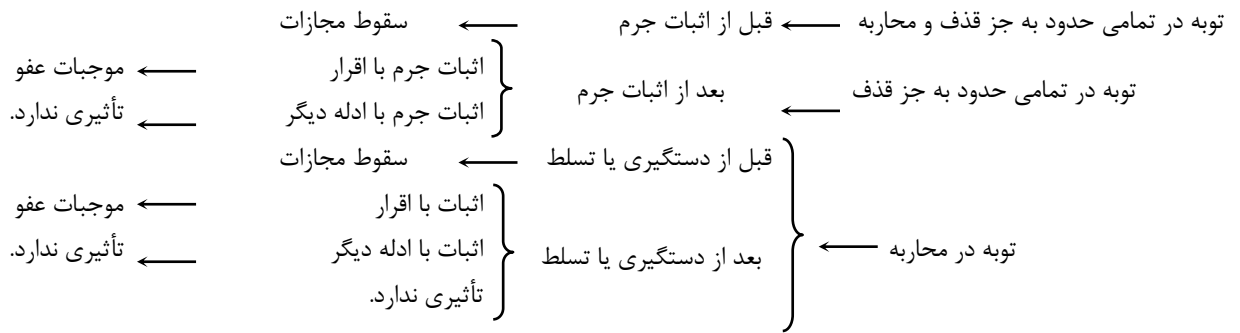
تبصره (۱): «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است».

تبصره (۲): «در زنا و لواط هرگاه جرم به عفو، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آن‌ها محکوم می‌شود».

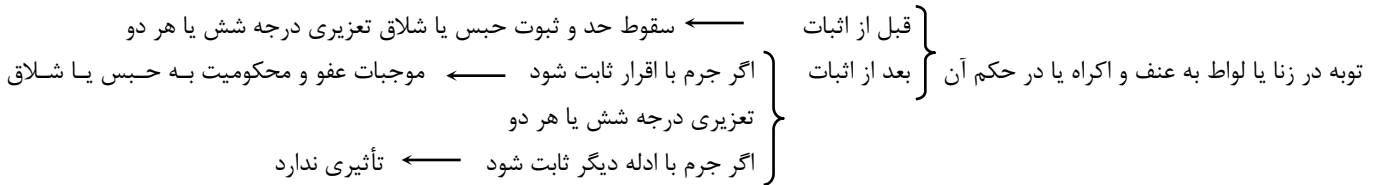
ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی: «دیه، قصاص، حد کذب و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد».



بنابراین با توجه به این دو ماده احکام توبه در حدود را می‌توان به این نحو دسته‌بندی کرد:



توبه در قذف هیچگونه تأثیری ندارد، چرا که قذف در زمره جرایم حق الناسی می‌باشد.



بنابراین قاعده جدول بالا را می‌توان به این نحو خلاصه کرد که:

۱- توبه در حد قذف تأثیری ندارد.

۲- توبه در محاربه اگر قبل از دستگیری یا تسلط باشد موجب سقوط مجازات است و بعد از دستگیری در صورتی که شرایط عفو موجود باشد می‌تواند اعمال شرایط عفو نمود.

۳- توبه در سایر جرایم قبل از اثبات موجب سقوط مجازات است و بعد از اثبات اگر شرایط عفو فراهم باشد از موجبات عفو است.

۴- شرط عفو، اثبات جرم با اقرار است.

کلمه مثال ۷: اگر محاربه بعد از دستگیری، اقرار کند و توبه نماید.....

(۱) تأثیری در مجازات او ندارد.

(۲) از موجبات عفو است.

(۳) مجازات او ساقط می‌شود.

(۴) مجازات حدی تبدیل به حبس یا جزای نقدی درجه شش می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» به استناد ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی.

جهل در حدود

قاعده کلی آن است که جهل به قانون مسموع نیست. این قاعده در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که بیان می‌دارد: «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود».

تبصره: «جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست».

منظور از مواردی که جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود، همان حدود است. این مسئله در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که بیان می‌دارد: «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد».

مبحث ششم: حد زنا

«زنا عبارت است از: جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد». (ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی) منظور از جماع، دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه (حشفه) در دُبر و قُبُل زن است اعم از اینکه موجب انزال بشود یا خیر. (تبصره ۱) ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی) کسی که حشفه ندارد، دخول او منوط به این است که عرفاً دخول صدق کند. برای تحقق زنا لازم است که یکی از طرفین مرد و طرف دیگر زن باشد و لذا نزدیکی با خنثی (که مرد بودن یا زن بودن او معلوم نیست) زنا نیست.

دُبر به معنای پشت و قُبُل به معنای جلو است و بنابراین مطابق قانون مجازات اسلامی لازم نیست که زنا از قُبُل باشد.

اگر کسی در حال احرام یا حائض بودن یا روزه‌دار بودن با همسر خود جماع کند، معصیت کرده است ولی مرتکب زنا نشده است.

جماع با میت زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست لکن موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود. (ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی). وطی به شبهه آن است که مرد و زنی به گمان وجود رابطه مشروع با هم جماع کنند، در حالی که رابطه مشروع وجود ندارد. هرگاه متهم

به زنا مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود، مگر آنکه خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود. (ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی).

کج مثال ۸: مردی با همسر خود در حالی که می‌داند در حال احرام است و در حال احرام زن به مرد حرام است به اجبار نزدیکی می‌کند، در این حالت ...

- (۱) مرد مرتکب زنا نشده است و زن نیز مرتکب زنا نشده است.
 (۲) مرد مرتکب زنا نشده است ولی زن شده است.
 (۳) زن حدی ندارد ولی مرد مرتکب زنا به عنف شده است.
 (۴) مرد و زن مرتکب زنا شده‌اند ولی زن به دلیل مکروه بودن حد ندارد.

پاسخ: گزینه «۱» چرا که به موجب ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی در تعریف زنا بیان شده است زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده (زن و شوهر نیستند) و مورد از موارد وطی به شبهه هم نباشد.



یکی از نکات حائز اهمیت در حد زنا تأثیر بلوغ و عدم بلوغ یکی از طرفین در زنا است.

نکته ۶: در زنا هرگاه طرفین یا یکی از آن‌ها نابالغ باشد، زنا محقق است؛ لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌شود. (تبصره (۲) ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی)

نکته ۷: در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است. (ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی).

کج مثال ۹: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اگر پسری نابالغ با مادر خود زنا کند، مادر رجم می‌شود.
 (۲) اگر پسری نابالغ با مادر خود زنا کند، هر دو به حد قتل محکوم می‌شوند.
 (۳) اگر پسری نابالغ با مادر خود زنا کند، پسر به حد قتل و مادر به حد ضربه رجم محکوم می‌شود.
 (۴) اگر پسری نابالغ با مادر خود زنا کند، مادر به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» به موجب ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی: در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

مبحث هفتم: اقسام حد زنا

با دقت در قانون مجازات اسلامی متوجه می‌شویم که حد زنا موارد زیر است:

۱- قتل ۲- رجم (سنگسار) ۳- جلد (شلاق) ۴- جلد و تراشیدن سر و تبعید

قانون سابق مجازات اسلامی، حد و تعزیر را برای زنا در مکان‌ها و زمان‌های شریف پیش‌بینی نموده بود که قانون مجازات اسلامی در این خصوص ساکت است بنابراین با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حال حاضر باید عقیده داشته باشیم که این تشدید وجود ندارد.

نکته حائز اهمیت دیگر، در مورد اجرای حد بر بیمار است. در قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۵۰۲ وجود دارد که به طور مطلق در کلیه جرایم، بیماری را در زمانی که اجرای مجازات موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی آن شود، موجبی برای تعویق اجرای مجازات می‌داند «هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظریه پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرایم تعزیری امیدی به بهبودی بیماری باشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات با ذکر دلایل پرونده را برای تبدیل به مجازات متناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند».

۱- قتل

ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

(الف) زنا با محارم نسبی

(ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

(پ) زنا با غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

(ت) زنا با عنف و اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره (۱): «مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

ملاحظه می‌گردد که به موجب این ماده، زنا با محارم نسبی موجب قتل مرد و زن زناکار می‌شود. منظور از محارم نسبی آن دسته از خویشاوندانی هستند که از طریق خون با مرد قرابت پیدا کرده‌اند. مثل: مادر، خواهر، دختر، خاله و ...

قانون گذار از محارم سببی که به سبب ازدواج بر فرد، محرم و حرام می‌شوند، مثل مادر زن یا پدر شوهر نامی نبرده است. لذا خویشاوندان سببی را نمی‌توان مشمول حکم این ماده دانست. در تحقق محرمیت هم فرقی نمی‌کند که قرابت حاصل از شبهه باشد یا خیر. زنا با محارم رضاعی که به واسطه شیر خوردن فرد از زن دیگری غیر از مادرش بر فرد حرام می‌شوند هم مشمول مقررات حد قتل نیست.

زنا با زن پدر هم موجب قتل زانی می‌شود. مراد از زن پدر، همسر فعلی اوست و نه همسر سابق او.



زنای به عنف و اکراه هم موجب قتل زانی است. پس اگر زنی مردی را به زنا اکراه کند، زن به مجازات قتل محکوم نمی‌شود. تبصره (۲) ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مواردی را به زنا به عنف ملحق کرده است. این تبصره بیان می‌دارد: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد، در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال یا فریب دادن دختر نابالغ، یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است».

ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی مجازات دیگری را هم برای زنا به عنف و اکراه بیان می‌دارد. این ماده بیان می‌دارد:

«در موارد زنا به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد، مرتکب، علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل هم محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌شود». اینکه نحوه محاسبه ارش البکاره به چه نحو است، در بین حقوق‌دانان اختلاف است و آنچه بر این اختلاف و ابهام افزوده است ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ است که بیان می‌دارد: «هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است». در این ماده از ارش البکاره صحبتی به میان نیامده است.

کلمه مثال ۱۰: زنا با خواهر رضاعی، موجب حد است.

(۱) رجم (۲) قتل (۳) حسب مورد جلد یا رجم (۴) برای زانی حد قتل است.

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به اینکه زنا با محارم رضاعی در حکم محارم نسبی مذکور در بند الف ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیست و همچنین بسته به اینکه مرتکب محصن یا غیرمحصن باشد، مجازات وی می‌تواند جلد یا رجم باشد.

کلمه مثال ۱۱: مردی با خواهر ابی (پدری) خود زنا می‌کند.....

(۱) فقط مرد به حد قتل محکوم می‌شود. (۲) هم مرد و هم زن به حد قتل محکوم می‌شوند.
(۳) هر دو به حد جلد محکوم می‌شوند. (۴) مرد حد قتل و زن حد جلد

پاسخ: گزینه «۲» زنا با محارم نسبی موجب حد قتل است و از این حیث فرقی بین محارم امی و ابی و ابوینی نیست.

۲- رجم (سنگسار)

ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. و در صورت عدم امکان اجرای رجم به پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد».

احصان چیست؟ احصان شرایطی است در مرد یا زن که با وجود آن زنا او مستوجب حد رجم (سنگسار) می‌شود. ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بیان می‌دارد:

«احصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود:

الف) احصان مرد عبارت است از آن که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد، امکان جماع از طریق قُبُل را با او داشته باشد.

ب) احصان زن عبارت است از آن که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد».

ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیز بیان می‌دارد: «اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌شود مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احصان خارج می‌کند».

کلمه مثال ۱۲: اگر همسر زنی مجنون باشد، زنا او.....

(۱) محصنه هست. (۲) محصن نیست. (۳) می‌تواند محصنه باشد. (۴) مستوجب حد قتل است.

پاسخ: گزینه «۳» با استناد به ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی

بنابراین با توجه به این دو ماده احصان دارای شرایط زیر است:

الف) داشتن همسر دائمی: همسر موقت و مُتَعِه موجب تحقق احصان نمی‌شود. (ب) جماع با همسر از قُبُل.

ج) همسر بالغ باشد. (د) دسترسی به جماع هر وقت که بخواهد بدون خوف، بیماری و ... باشد.

ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی سابق بیان می‌داشت: «طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده، مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند ولی طلاق بائن آن‌ها را از احصان خارج می‌کند». این ماده در حال حاضر در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد ولی با توجه به سابقه مشهور این مسأله در شرع باید گفت که مفاد آن همچنان جاری است. اصل بر آن است که طلاق رجعی است، به طوری که برای مرد در ایام عده، امکان رجوع بدون نیاز به ازدواج وجود دارد مگر